









احسان آشوری

کسی نبود  
سدای قنایی کوه را  
لای لای هیاهوی نشایشند  
سکوت شاهان اش  
با جیر جیر عشق تو روزه پر می شد  
تکنوں  
دفعه کوھی به کوھی بدر  
ترسیده است  
ذکان در کوه  
در تانیه ای  
تمام بدلی پیوهوگی هارا  
ویران شستها  
ارفهان در تکه های شکرده کوه بود  
قلب آشیش  
زندگی بخش  
هزاران پرندۀ اوژده خوان  
نودی بخش همچنان که  
در دل سیاه و سور زستان بود  
پاهایش در گذشته برداشت می سوخت  
بر کفر در آلوهه اش  
خون جاری بود  
روگاهش را برای  
زندگی باز می کرد  
خوشنیست می کرد  
علهای دشت پایینی را

\*\*\*\*\*



همدی خالدی راد

(هشدار)  
به فرشته های  
که نقصی آزاد بگشی  
به جای کل  
روق و مدن  
اشن الفوخته اند  
(مهاجر)  
دیریست  
که از وطن  
جان بد برده ام اما  
در این  
ایران  
تنقیم  
جام  
جاده وطن نکرد  
زندگی انتها  
امده ام  
(روایت)  
از شبکه بکنم  
وزنجه  
روایت به پایان ببرد  
دوای  
روز و راه و چاه  
غصه ای پایان  
غصه ای انغار—

\*\*\*\*\*



محمد روزبان

این که چشمها  
در راهه چشم زدن کنند می توانند  
که اندیشه ای که از آن  
بارها گرفتی  
این که موسیه ای شب منتظر می شود در هوا  
بازیابی اش  
نشیبی عضوی رفته از است  
دور از امامه راه است  
این که در مین حلظه  
من همین حرف بر اتمانیسته های موافق ام  
صدای  
صدای را صدای زند  
و این ایندیشه کوتاه در امامه می نهفته است  
این که قاریه بی قراری مان گریم  
این اندیشه چیزی  
که بالا  
حالا باید تن به خط و خال و خیال داد  
کوشش را ببردش  
و ایندیشه  
اگر زندگی نزد کلمه  
اگر سوب قمی بگرد  
از صدای تلقی است که زندگی (زند  
و حال کلمه ها کامی بارانی اتفاق سوخته  
است.

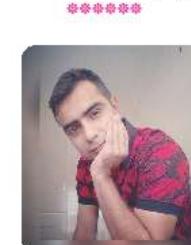
\*\*\*\*\*



قانونس بهادر وند

سرزمین مادری  
سرزمین مادری جایی است  
که نقصی آزاد بگشی  
هر گاهی خواهی  
در هوایی بی ریزکرد—  
ساعدها کارکرده رویاهای من  
و بروی تا انسی خلیل ما  
و کسی به وکیل مهابت  
با شال سفیدات  
و تراویح در زمزمه های  
شکل نمکند—  
سرزمین مادری  
آذوقه های پیشوای خلیل  
فائقه های چوپان چوچ  
کنار گلزار خال  
و تو ساده های بادی بگوینی  
یا این آنقدر وقتی اینجیه!  
سرزمین مادری  
آنچه است که  
رویایی کنترل پر نیست  
و گوشه های همراهان  
و هرای شامانی—  
سرزمین مادری  
خانه ای است نشسته میان خلیل ها  
که سارازند  
و طبق  
شیرینی اندوه هکساری نیست—

پادشاه:  
\* مادر، عاشق شده ام  
قانونس بهادر وند  
۱۴۰۰ / ۵ / ۵



زهرا پیرزاد

شعله من کشد  
از زبانه های همان  
بن گونه های ستاره کوچک  
که غلوز  
می درخشند  
بریزند  
بر هنگام رویاهای من  
غایله  
زنگی چاری است  
در روزان عمان کتوترانی  
که بر عقد تاکام چشم نوخته اند.  
شکل نمکند—  
زهرا پیرزاد\*

۱۴۰۰ داد

\*\*\*\*\*



بیژن بدرا

چنان نازک دل شده ام  
از مردمهای خوبی خبر  
برای عزالت شد  
گریه ام می کرد و  
غوطه در داشت  
لب سلسی بینای شوم (Castaway) را  
اگران کرد  
تاز گاهله ای هنگین  
خود خشی بکشند  
گونه ای که نشسته بود  
شماره ای از این را که  
کی می رسی  
دانه دو و سرسه ها  
کیز خلاصه ام  
که قیبله ها  
به شنای اعذ پاش  
قرار راه دیدیان گذاشته اند  
میکنیم بعد  
بریز اسما و رسید  
و زیارتی های  
بر گردن چشم ام  
آدم باز  
شکل  
شکنند  
و انکار شیر از قفس بردیزیر پوست شهری که  
آدم هاشنیزد و همان اند  
شهری که مردم فرق های زیبایی باندند  
ملادعای چهل بیله میگوان تاختت باز شود  
شده  
بوق، بوق—  
بالآخر تویی کوچه ای ما هم  
عرسی اند  
و داده میان هک امیری سست که بیرون آنی  
پویسیده تایه چندم اینه هایدای  
شاید خوبی بر راه است  
موی سینده آدم  
آینه میلار—  
شیرین تر از این خواب نداریم  
خوبی و معلم و ملحد زن طفا  
تا حال نورین ام شیک شود—  
خدای من  
دیال قاب ها آب افتاد  
کفرش را مین  
بیرون نگاهد را  
شمامی کنند  
دیالوی اخ  
پایانه های  
سعیدی از سوستان  
بیرون آمد و  
بیرون نگاهد را  
به گذشته برده  
تا دلیل سوستان بلاسی\*

\*\*\*\*\*



مهری رحمانی

کلند  
خن را سوست دارم  
با من راه بیا  
گفت  
\*بیدری نشسته به پارانه ای شمپور  
سکنی می روی به پایز و پیشکن  
کوتاه بیا  
من از باران از دیگریست  
بوسیه های خوب اورده ام  
رقص سرخ  
از هزارهای زن  
بر بال سینه غم می سوزد  
من با تمام امی تو  
راه می آم  
ترنی  
باده هر چهار چهارده در می بیدد  
پیکان طلاق پیشنهاد  
در مهار تو پیزد  
تصویر چشم های میشیده ام  
بر شلهای های بای پیشکن  
کوتاه بیا



زینت هاشمی از گیلانغرب

(ایور گن)  
چشمی که می خواهد از عقب برواز یاد بگیرد  
دار دور نکه اند اند چرخ می زند  
پیچه های چانوکان خوبی هستند  
که در قلب سک های جای باید هاد  
اصاله ای های دیگران  
تو یکی از برجه های شده هست  
وقتی دنیا از برجه های شده هست  
شماره ای از این را که  
کی می رسی  
دانه دو و سرسه ها  
کیز خلاصه ام  
که قیبله ها  
به شنای اعذ پاش  
قرار راه دیدیان گذاشته اند  
میکنیم بعد  
بریز اسما و رسید  
و زیارتی های  
بر گردن چشم ام  
آدم باز  
شکل  
شکنند  
و انکار شیر از قفس بردیزیر پوست شهری که  
آدم هاشنیزد و همان اند  
شهری که مردم فرق های زیبایی باندند  
ملادعای چهل بیله میگوان تاختت باز شود  
شده  
بوق، بوق—  
بالآخر تویی کوچه ای ما هم  
عرسی اند  
و داده میان هک امیری سست که بیرون آنی  
پویسیده تایه چندم اینه هایدای  
شاید خوبی بر راه است  
موی سینده آدم  
آینه میلار—  
شیرین تر از این خواب نداریم  
خوبی و معلم و ملحد زن طفا  
تا حال نورین ام شیک شود—  
خدای من  
دیال قاب ها آب افتاد  
کفرش را مین  
بیرون نگاهد را  
شمامی کنند  
دیالوی اخ  
پایانه های  
سعیدی از سوستان  
بیرون آمد و  
بیرون نگاهد را  
به گذشته برده  
تا دلیل سوستان بلاسی\*



حسن اسدی

دو شعر از حسن اسدی  
مه را شکافتنی  
نرم فرم پیش آمدی  
هر لحظه  
واقعی تر شدی و  
در چشمگاه نشسته ای  
ح ا اجین  
مه  
نمای  
نیمه  
موج می بست  
از رک بایان و  
قد می تبلد  
سوی  
ماهور ها  
حسن سندی (آجین).

\*\*\*\*\*



سروش ترا اهی

میان سوزن شنید  
هر قلب با گوتوین سر زدم  
کریم سروی از اتمام نشود  
آدم با چه روحی  
سروش را از زمین بلند کند  
من چایش بکنار  
و به زندگی ادامه دهد  
\*\*\*\*

\*\*\*\*\*

ست هایش  
لتفتی خوش بست بود  
دل نیامد  
خود را به قتل نرسانم  
است.

\*\*\*\*\*





**پوشش بیمه سلامت در کرمانشاه سیستمی تمدید نمی شود**



لوگویی، سه‌نم خود پرداخت «فراشبیز»  
مددجویان برای دریافت خدمات استری زیر  
نوشیش بیمه پایه و مراجحه به بیمارستان‌های  
لوگویی در صورت رعایت سیستم ارجاع رایگان  
است.

A photograph showing a group of people in what appears to be a classroom or lecture hall. In the foreground, a person wearing a face mask is speaking at a podium. Behind them, several other individuals are seated at desks, also wearing face masks. A flag is visible in the background.

رتفع شدن مشکل افت  
شار آب ۸۴۰ مشترک  
شهرستان چوازرود

میری امور اب و خاکل شہرستان  
خواهود بے سر و تر میں سخت دنیار اب  
مشترک شہر شورینو و پرستی  
روستائی اون با پیشانی چشم سنت  
برگ و آنکہ ایسماگانہ کوئی درد ناد  
پیشانی رواط و پوشش شرکت اون  
خاکل اسٹان کوشکانہ کلکلوں  
خوازی بیسے میری امور ایچھوں  
خواهود بے سر و تر ایسماگانہ  
تعمیرکار دنیار کوک و ایلہات  
چشم سنت درد بیکہ عنیع میلیں  
اب شور شہر شورینو و پیچ میلیں  
جوجہ میں ایک دنیار از دنیار زورات  
اسالی و خاکلی کا غسلی میلیں  
مهاجر کریدن کہ ہمن سفالت  
دنیار اس شور و پوسٹھانی تخت  
پیشانی چشم سنت کوئی درد ناد  
میں میں بیزار ایسماگانہ کو ایک دنیار  
میں میں بیزار ایسماگانہ کو ایک دنیار  
شہرستان خواهود فرگ

شهرستان جهت ایشان میزبان آینده  
شمشه و خوشبختان را داشت خانه ای از آنهاست  
و روشنایی خود را بیشتر، بروهال  
نمیر از ارتعاش بزمی پیش از آنهاست  
نمیتوان بخوبی برق و پیشایی خدمه  
اینهاست اما این استادگان در عرض خوشبختان  
دای این اتفاقات به موقع نمی چشم  
پارسیان خواستند و شمشه اب به موسر  
کمال سرمه گیرند  
درینه امور ای ابر و افغانستان شهرستان  
جواره ای از این دنیا بر این استادگان کنیت  
شهرستان خویست تا درینه بزیرت صحیح  
هزار و هشتاد شاهزاد از این نعمت  
هزار و هشتاد خود را بخوبی برق و پیشایی  
شہر و پارسیان خود کردند و بخوبی نمودند  
این رونرا در چهت اله خدمات مطلب  
پارسیان نمایند  
شهر شرمندیه و بیچ روسانی تخت  
پیشنهادی این دنیا به شاهزاد ای ابر و  
افغانستان و خوشبختان را در زیر و  
تقریباً در ۱۷ میلیونی شهر و بزرگ نمودند

ورود دانشآموزان به بازار کار پس از  
فارغ‌التحصیلی از رشته‌های فنی میسر است



لایه ریاضیات و جبر درس نهم

**وارد دانش**  
**فارغ التحصیلیا**

دیگر اموزش و پژوهش اسلام کرامه شاه  
فراست و در دانش اموزان به سازار کار پس از  
عمران تحصیلی از رشته های قدرت میسر است.  
جذب بزرگ زبانه در ملبسه ای انتقامی  
که این فرشته فرهنگی خود را اسلام کرامه شاه  
زمزمان با رو بز کلاشت حافظه کرد در کانون  
جهادها با خفتوح مسوپان این اسلام برگزار  
دید، اهلک کرد، این شهاده بروای نشن داد  
پاره شد و پوستک است.

در اسلامه ای زیر پر قرآنی اسلام عاضی با  
نیک اثبات مدرود مادرم در این کتاب فراخواند  
که اسلام که این کتاب بر ایله خودنمایی  
نویسنده ای کن فرقون در تاریخ ایران قمالیت  
رنند.

دیگر اموزش و پژوهش اسلام کرامه شاه  
فراست اسروره نهای حفظ کردن کتاب بروی  
نیک اثبات مدرود بر داشت پر نوی و مهمن و مهربن  
که ایله باد، اهد، اهد، اهد، مهند

تامین برق شرکت  
شرق آسیا در ایران  
بسزاپ

ورزش فقط مختص مرکز استان نیست



وی گفت سپاهانی اخیر در کلر اقامات  
زیارتی خود را بر راهنمای گردشکار شکل  
گرفته، با گزاری سه ملکات مختلفی معرفی  
المسافرها روز و شب میگذرد و همچنان  
و تخریج و جوب خوش و پس از مسافرت ترقی  
دشنه که این علی گردشگران مدار  
روزگار و شرکت استوار است از آنکه  
تو پنهان روزش را بر راهنمایی کرد و شکست  
الله ای داد، گفت امیدوارم برا گزاری این راهنمای  
شناخت ای روزگاری را میگذرد و تقدیم  
شکست ای این راهنمای شناسنامه

اعلان های ملکیتی و اجاره ای مسکن که در این قسم از مسکنها ارائه شده است، در اینجا آورده نشده است.

بینی بر افزایش ۲ برابری این مبلغ ناکوئن  
جزای شده است.  
ه) فکه و در صورت افزایش مبلغ تسهیلات  
ساخت منکن روستایی اطلاع رسانی شده و  
متخصصین برای دریافت وام مذکور به بازگشای

معاون پیاده‌مسکن کرمانشاه

میلوں بازاری و مسکن روستائی بندگ مسکن  
ستان کرمانشاه با شماره به اعطای وام یک صد  
میلیون تومانی ساخت مسکن روستائی گفتادین  
سمپلیکات تاکنون افرادی پیدا نکرده است.  
هاد فقیهی با شماره به سهمیات ساخت مسکن

A photograph showing several construction workers on a wooden building under construction. The workers are positioned at different heights, some on scaffolding and others on the roof, working on the upper structure of the building.

